

## هنر آواز

از دکتر مهدی فروغ

آواز مناسب ترین و معمولترین وسیله برای بیان احساسات است. بعضی از مصنفان بزرگ جهان توجه بخصوصی به تصنیف آواز نموده و آثار زیبا و نفیسی در این رشته از خود باقی گذاشته اند. برای هنرجوئی که بخواهد در موسیقی بطور اعم مطالعه و تحقیق کند بررسی قطعات آوازی که این مصنفان بزرگ با دقت و بصیرت و وقوف ذهن تصنیف کرده اند بسیار ضروری است. یکی از استادان موسیقی میگوید که تعریف نهائی موسیقی در واقع تغنی یعنی آواز خوانی است چون ساز در حقیقت آواز مصنوعی است و اختراع آن برای این بوده است که هر وقت صدای خوشی موجود نیست از آن بعنوان بش‌البدل استفاده شود. در تمام جهان ساز را به منظور تقویت حالت و کیفیت آواز از لحاظ دامنه صوت یا با اصطلاح رنگ آمیزی بکار میبرند.

دانشمند و فیلسوف معروف «هربرت اسپنسر» (Herbert Spencer)

معتقد است که موسیقی طریقه‌ای است برای بیان احساسات بوسیله اعمال غیرارادی پرده‌های صوتی که تحت تأثیر عواطف قرار میگیرند. عموم علمای موسیقی متفق القولند که موسیقی ابتدا بصورت آواز بوجود آمده است و همه کس میدانند که بعضی اینکه موسیقی برای بشر مسأله قابل تعمق و تفکر شد با تکلم و کلام توأم گردید. هنر درام و شعر از همان ابتدای پیدایش با موسیقی همراه بوده و حرکات موزون نیز برای تقویت منظور اصلی بر آن افزوده شده است. بتدریج آلات موسیقی اختراع شد که بهمراهی آواز و این حرکات موزون نواخته شود تا از لحاظ منطقی و زیبایی آنرا تقویت کند. در کشورهای غربی از آغاز پیدایش مذهب مسیح تا اواخر سده هفدهم موسیقی مفهومی جز آواز نداشت و در سده هفدهم ترقی آواز از هر لحاظ در کشورهای اروپا باوج کمال رسید.

پیشوایان مذهبی و عمال کلیسا از هواداران جدی آواز بودند. ولی از این تاریخ بیعت توجه به آواز در کلیسا رو به کاهش گذاشت و در مقابل آواز غیر مذهبی رونق گرفت. در قرنهای نهم و دهم مسیحی اولیای کلیسا خوانندگان دوره گرد را تشویق میکردند که حوادث و داستانهای کتاب مقدسی را ابتدا در خارج از کلیسا و بعد در داخل آن به نمایش بگذارند. بهمین ترتیب موسیقی نیز خارج از نفوذ عمال کلیسا در مسیر ترقی خود پیش میرفت. خوانندگان دوره گرد افرادی بودند از طبقات مختلف مردم که بهمراهی ساز خود که تقلیدی از عود بود به اطراف و اکناف سفر میکردند و هر جای مناسبی که می یافتند به خواندن و نواختن میپرداختند. آنهایی که از طبقه اشراف و بزرگ زادگان بودند در فرانسه ترور Trouvères و تروبادور Troubadours نامیده میشدند و عموماً در موسیقی و ادبیات دارای تحصیلات عالی بودند و برخی از آنها از خوانندگان و نوازندگان بسیار خوب محسوب میشدند. در این نوع موسیقی نیز هم نفوذ آهنگهای کلیسا موجود است و هم نفوذ آهنگهای محلی.

در آلمان این طبقه از هنرمندان را « مینه‌سینگر » Minnesinger مینامیدند. کسانی که به ابرای تان‌هاوزر Tannhäuser اثر واگنر آشنائی دارند میدانند که تان‌هاوزر معرف یکی از این خوانندگان دوره گرد است. موضوع آوازه‌های فرانسه در این دوره عموماً عشق و جوانمردی و موضوع

آوازه‌های آلمان بیشتر وصف طبیعت و زیبایی است. ایجاد اپرا در سده شانزدهم نیز در تحول و تطور آواز تأثیر بسزایی داشت. نظر باینکه در آغاز ایجاد اپرا موسیقی ساز هنوز برحله قابل توجهی نرسیده بود مصنفان اپرا سعی میکردند لحن آواز را طوری تنظیم کنند که حداکثر تأثیر را در شنونده داشته باشد و آوازهائی که « مونتِه - وردی » (Monteverdi) و « کارِسیمِی » (Carissimi) باین رویه تنظیم کرده‌اند زمینه کار را برای مصنفان بعد آماده کرد.

بتدریج که سبک آوازه‌های دسته جمعی به آواز يك نفری تبدیل میشد شیوه ساده ولی عمیق تصنیفات قدیم نیز به شیوه پر از زینت تغییر یافت. خوانندگان برای نشان دادن قدرت و مهارت خود هر نوع تغییر و تبدیلی را که جائز میدانستند به میل خود در آواز بعمل می آوردند و رنگ و حالت اثر مصنف را بکلی عوض میکردند. « کاجینی » (Caccini) یکی از نویسندگان اپرا در آن ایام پس از شکایت از این دخالت‌های بیمورد خوانندگان میگوید که هر مصنف آواز باید اثر خود را فوری چاپ کند که خوانندگان تغییرتی در آن وارد نیاورند.

آوازه‌های تنها عدوماً با سازی بنام « لوت » (Luth) که تقلیدی از عود بود و حتی اسم آن هم وجه تحریف شده‌ای از کلمه « العود » عربی است همراهی میشد. تمام مصنفان بزرگ هر يك کم و بیش چند قطعه آواز باین شیوه تصنیف کرده‌اند. شاخ علاوه بر آوازه‌های تنها که در تصنیفات مذهبی خود دارد دو قطعه آواز نیز باین شیوه تصنیف است. موزار و بتوون نیز هر يك چند آواز ساخته‌اند ولی هیچکدام توجه بخصوصی به این سبک تصنیف نداشتند.

کسی که آواز را در اروپا بعالیترین مرحله ترقی رسانید شوبرت بود. شوبرت حقاً يك مصنف آواز بود و قریحه فوق العاده‌ای برای تصنیف لحن‌های لطیف و روان و بدون تکلف و تعقید داشت و الحان خوش موسیقی مثل آب زلالی که از چشمه جاری است از او می‌تراوید. آوازهائی که ساخته و تعداد آنها هم کم نیست از حیث تعادل و توازن و تلفیق کلام با آهنگ در حد کمال است. ساختن آواز پیش از شوبرت اهمیت چندانی نداشت و همانطور که شیوه رباعی در ادبیات فارسی تا پیش از ظهور خیام اهمیت و اعتباری نداشت و خیام آنرا به عالیترین درجه لطف و زیبایی و عمق معنوی رسانید شوبرت

نیز آوازها در اروپا بعنوان يك سبك مشخص در موسیقی معرفی کرد و راه را برای مصنفان بعد از خود یعنی «شومن» و «براهمس» و «فرانز» (Franz) و «وولف» (Wolf) آماده ساخت.

در آوازهای شومن بخش پیانو عموماً پرزینت تر از آوازهای شوپرت است. آوازهایی که براهمس ساخته بعقیده بعضی از نقادان موسیقی از بهترین آثار او محسوب میشود. «لیست» آوازهای بسیار خوبی ساخته که متأسفانه معروف نیست. فرانز و وولف هم تقریباً تمام ذوق و همت خود را صرف تصنیف آواز کرده اند و وولف این شیوه موسیقی را به حد اعلای ترقی رسانیده است. آوازهای فرانز بیشتر جنبه رمانتیک و محلی دارد و مربوط به زمان مشخص است. «گریک» نیز آوازهای غنائی بسیار زیبایی تصنیف کرده است. قطعات آوازی که ریشار اشتراوس در دوره جوانی ساخته بسیار زیبا و از لحاظ احساس قوی است. مصنفان دوره معاصر یعنی «فرانک» و «دبوسی» و «فوره» و «راول» و «موسورگسکی» و «کرساکف» نیز هر یک آوازهای پرمغز و پراحساسی تصنیف کرده اند.

در موسیقی غربی دو نوع آواز موجود است یکی محلی و دیگری هنری که هر دو مورد علاقه و توجه عموم است. آنچه بیان شد مربوط به آواز هنری بود اما آوازهای محلی آنهاست که خود مردم برای بیان احساسات و افکار خود ساخته اند و شاید بتوان گفت که این نوع آواز از ایام بسیار قدیم بین قوم قبائل و ملل جهان متداول بوده است زیرا بشر از همان ابتدای پیدایش علاقه مند بوده است که امیال خود را از طریق رقص و آواز توصیف کند. اقوام سامی و یهود و مصریهای باستان و یونان و رم قدیم و مردم قرون وسطی همه از خواندن یا شنیدن آوازهای محلی خود لذت میبردند.

ولی آواز هنری بنا به موازین و اصول و قواعد معین و مشخص توسط مصنف تصنیف و تنظیم میگردد. راجع به امتیاز و تفاوت بین این دو شیوه آواز در مقاله بعد مفصلتر صحبت خواهیم کرد اما در اینجا ضمن مقایسه این دو سبک آواز با آوازهای ایرانی تذکر این نکته لازم بنظر میرسد که دستگامهای آواز منظم ایران را بنا به تعریفی که کردیم نمیتوان و حقا نباید

با آهنگ های محلی مخلوط کرد و باهمه را محلی تشخیص داد . آهنگهای محلی مازندران و فارس و کردستان همانطور که همه کس میدانند توسط خود مردم آن نواحی ساخته شده و متعلق و مربوط به ذوق عمومی همان نواحی است ولی دستگاههای موسیقی ما دارای جنبه علمی است و در ایام قدیم خوانندگان عالم و نوازندگان دانشمند در تنظیم و ترتیب آن زحمات زیاد متحمل شده اند و رعایت قواعدی که وضع کرده اند ضروری است و هر آینه ابتکاری در آن قواعد لازم بنظر میرسد باید توسط کسی که واجد مقام علمی و هنری باشد و در کار موسیقی اجتهاد دارد صورت گیرد . شایسته نیست که هر کسی خود را در این زمینه صاحب رای بداند . این سبب میشود که موسیقی بصورت هرج و مرجی در آید و ارزش علمی و هنری آن بتدریج از بین برود و این لطمه بزرگی است که به میراث علمی و فرهنگی ملت ما وارد خواهد شد .



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی